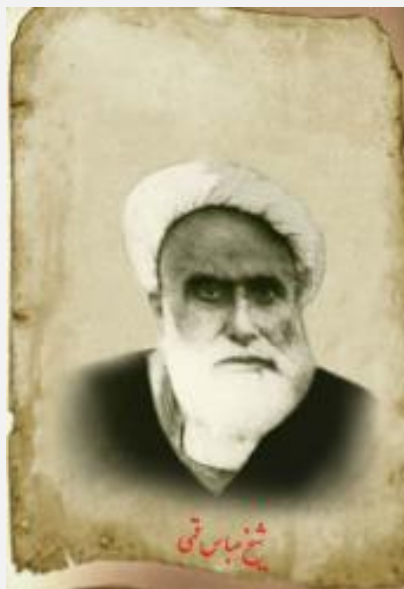


شیخ عباس قمی

همگان وی را به نام صاحب مفاتیح الجنان می شناسند. در 1320 ق. از نجف به ایران بازگشت...



ولادت : 1294 ق.

محل ولادت: قم

وفات: 1359 ق.

محل دفن : نجف

محل تحصیل: قم ، نجف

اساتید: حضرات میرزا حسین نوری ، میرزا محمد ارباب قمی و...

تالیفات: منتهی الآمال، منازل الآخرة ، مفاتیح الجنان ، نفس المهموم و

همگان وی را به نام صاحب مفاتیح الجنان می شناسند. در 1320 ق. از نجف به ایران بازگشت و پس از سفر حج و اقامت کوتاه مدت در قم ، در مشهد مقدس رحل اقامت افکند. در 1352 ق. باردیگر عشق حرم امیر المومنین علیه السلام قرار از وی ربود. پس بار سفر بر بست و رو به سوی نجف نهاد و تا آخر عمر از آن شهر جدا نشد . با اینکه به بیماری ریوی مبتلا بود و به سختی می توانست نشست و برخاست داشته باشد ولی شبانه روز می خواند و می نوشت بدان حد که دو طرف انگشتانش که قلم به دست می گرفت . برآمدگی داشت . از میان تالیفات خود سفینه بحار الانوار (تدوین موضوعی بحار الانوار) را بسیار وصف می کرد . تالیف این اثر حدود بیست سال طول کشید . زندگی وی بسیار ساده و از حد زندگی یک طلبه عادی هم پایین تر بود. لباسش عبارت بود از یک قبای کرباسی بسیار نظیف ، معطر و تمیز، چند سال زمستان و تابستان را با آن قبای کرباسی می گذراند. فرش خانه اش گلیم بود. از سهم امام استفاده نمی کرد و می گفت : من اهلیت ندارم از آن استفاده کنم ! روزی در نجف اشرف دو زن محترم که در بمبئی سکونت داشتند حضور ایشان رسیدند و پیشنهاد کردند هر ماه مبلغ 75 روپیه به ایشان تقدیم کنند تا از لحاظ زندگی در رفاه باشد. در آن ایام مخارج ماهانه خانواده وی از ماهی پنجاه روپیه تجاوز نمی کرد. فرزند کوچک آن مرحوم اصرار کرد تا قبول کند ولی ایشان قبول نکرد تا اینکه زنان ناامید شدند و رفتند. پس از رفتن آن ها فرزند به پدر گفت : من هم دیگر از کسبه بازار برای مخارج روزانه قرض نمی کنم ! حاج شیخ عباس پاسخ داد : ساکت باش! من همین مقدار هم که الان خرج می کنم نمی دانم فردای قیامت چگونه جواب خدا و امام زمان (عج) را بدهم . در جواب این مقدار معطل هستم ، چگونه بارم را سنگین تر کنم !؟ عشق و علاقه او به اهل بیت (ع) وصف ناشدنی است . هر گاه چشمانش دچار ضعف و درد می شد به کلمات نورانی اهل بیت (ع) متوسل می شد به کلمات نورانی اهل بیت (ع) متوسل می شد و صفحات آن ها را به چشمانش می کشید و بینایی خویش را باز می یافت . حدیث اخلاص وی مایه شگفتی است ؛ شخصی که به شیخ عبدالرزاق مسئله گو معروف بود ، همیشه قبل از ظهر در حرم حضرت معصومه (س) مسئله می گفت و کتاب منازل الآخرة شیخ عباس را برای مستمعین می خواند. روزی پدر شیخ عباس که نمی دانست نویسنده این کتاب فرزند خود اوست ، به ایشان گفت : کاش تو هم مثل او مسئله گو می شدی و منبر می رفتی و می توانستی این کتابی که او می خواند برای ما بخوانی ! و شیخ عباس تنها در جواب گفت : دعا بفرمایید خدا توفیق دهد!